بررسی الگوی توسعه اقتصادی در نشست بنیاد باران

ثبات در رویکرد توسعه انسان محور در راس برنامه‌ها

وحید محمودی : رقابت‌های دستوری و تثبیت قیمت‌ها در بخشی از اقتصاد تعادل ایجاد می کند

در سی و هفتمین نشست تخصصی ماهانه بنیاد آزادی، رشد و آبادانی ایران «باران» که با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی، رییس و جمعی از اعضای بنیاد باران برگزار شد، وحید محمودی استاد دانشگاه به بیان سخنانی با موضوع ضرورت تغییر پارادایم توسعه اقتصادی پرداخت. متن سخنرانی وی به شرح زیر است:

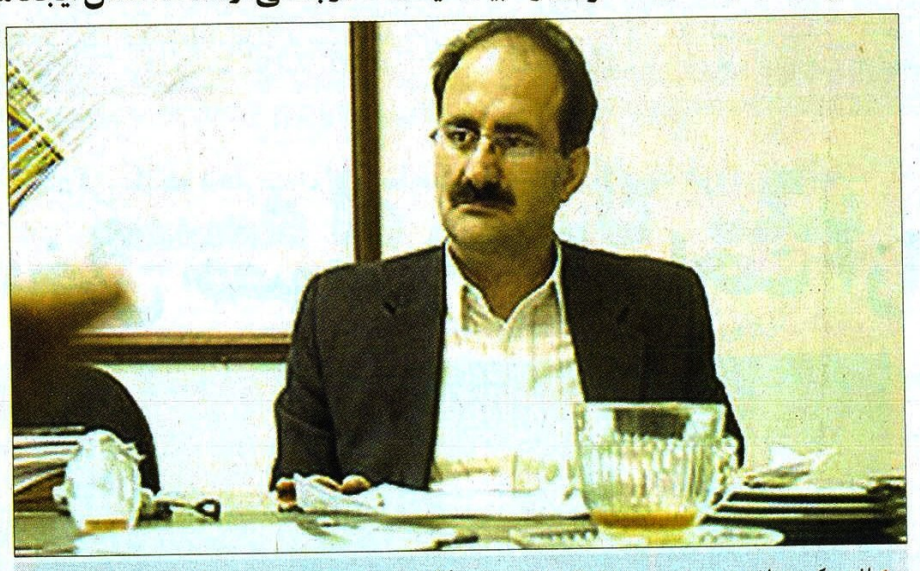

*داشتن یک دیدمان محوری توسعه در روشن کردن ذهن سیاست گذاران جهت اعمال سیاست‌های سازگار و هماهنگ به ما کمک می کند. الزامات تبیین دیدمان توسعه روشن بودن تعریف اجماعی ما از مفهوم توسعه، هدف توسعه و ابزار توسعه است

*ما به دنبال دیدمانی از توسعه هستیم که مبنی بر ارزش‌های دینی و اخلاقی، سازگار با فرهنگ خودی، مبنی بر الزامات قانون اساسی و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله توسعه کشور باشد. سوال این است که کدام دیدمان علمی توسعه امکان تحقق این مهم را می دهد ؟

واژه پارادایم اولین بار توسط توماس کوهن در کتاب «ساختارهای انقلاب‌های علمی» در سال ۱۹۷۰ مطرح شد. از آن زمان تاکنون به طور مکرر به درست یا غلط در گفت وگوهای معمول، اندیشه‌های دینی، نظریه‌های سیاسی، نظریه علوم اجتماعی و اقتصادی به کار برده شده است. این واژه در داخل کشور به مدل، روش، نمونه، سرمشق یا خود کلمه انگلیسی پارادایم ترجمه شده و به نظر من «دیدمان» ترجمه مناسبتری برای واژه «پارادایم» است.

دیدمان یک چارچوب فلسفی و نظری برای یک مکتب یا حوزه علمی است که در قالب نظریه‌ها، سیاست‌ها، قوانین و اقدامات مفهوم سازی و عملیاتی می شود. به عبارتی دیدمان در بردارنده یک جهان بینی کاملی است به طوری که هر واقعیت تجربی و ساخت نظری در قالب آن دیدمان بازخوانی و باز تفسیر می شود. بنابراین ماهیت دیدمان این است که فضای تفسیری و نگاه جدیدی را برای تحلیل و ارزیابی فراهم می کند که برای درک آن باید در آن فضا قرار گرفت. به باوجود کوهن زمانی انقلاب علمی رخ می دهد که یک نظریه‌ای مطرح می شود که به نظر می رسد از رقبای خود بهتر است و نوید موفقیت و حل بحران و چالش‌های پیش رو را می دهد. توماس کوهن در کتاب خود این ایده را مطرح می کند که علم از طریق انباشت خطی دانش جدید پیشرفت نمی کند بلکه بر عکس از طریق انقلاب‌های مقطعی که او آن را «تغییر دیدمان» می نامد به طوری که ماهیت پرسشی علمی در درون یک رشته علمی خاص با یک شیب تندی تغییر شکل یا دگرگون می شود محقق می گردد. کوهن در کتاب یادشده بحث می کند که دیدمان‌های رقیب به نوعی مقایسه‌ناپذیر هستند به این معنی که نمی توان از طریق چارچوب مفهومی و زبان یک دیدمان رقیب، دیدمان دیگری را فهمید. البته منظور کوهن این نیست که امکان مقایسه دیدمان‌ها وجود ندارد بلکه منظور ایشان این بود که نمی توان در داخل چارچوب مفهومی دیدمان قدیم به درک صحیحی از دیدمان جدید دست یافت.

دیدگاه‌های فرا پارادایمی

این اساسا ماهیت دیدمان است که فضای تفسیری و نگاه جدیدی را برای تحلیل و ارزیابی فراهم می کند که برای درک آن باید در آن فضا قرار گرفت. جان هیکس نیز معتقد است انقلاب‌های اقتصادی زمانی رخ داده‌اند که خود حوزه‌های اصلی تمرکز تغییر کرده‌اند. هیکس مشاهده کرد که یکی از راه‌های وقوع این تغییرات در چارچوب‌های اقتصادی تعمیم دادن یا ساختن نظریه‌های کلی بود، نظریه‌های که هر چیز را در جای خود قرار می دهند حتی اگر ما در این جای گیری نقشی نداشته باشیم. دیدمان یک گزاره است که به تمامی ابعاد و حوزه‌های یک رشته یا مساله (توسعه، فقر، نابرابری یا هر چیز دیگر) می پردازد. به کارگیری نظریه کوهن به ما اجازه می دهد که گفتارها و کاربردهای نظریه توسعه را با توجه به امکان و برد آن و قدرت و دانش مرتبط به آنکه مفهوم نظری و شیوه اجرایی و عملیاتی آن را شکل می دهد در یک قالب سیستمی درک کنیم. دیدمان توسعه دورنمای استراتژیک بلندمدت ما را برای چالش‌ها و فرصت‌های آتی، چشم‌اندازها، اهداف و نفوذ استراتژیک در هر بخش پی ریزی می کند. دیدمان، توسعه استدلالی کلی برای شیوه درک و غلبه بر چالش‌های توسعه است که با آن مواجهه هستیم. یک دیدمان توسعه می تواند بارها در ترتیبات متفاوت اجرایی و عملیاتی شود و همچنین بنا ندارد همه ابزارهای کلاسیک و نظری را کنار بگذارد. زمانی که دیدمان‌های توسعه انتقال می یابد مکتب جدید درس‌های محوری برای عرضه دارد. برای مثال زمانی که اقتصاد کلاسیک ظهور کرد یا موقعی که کینزین‌ها وارد عرصه شدند یا زمانی که اقتصاد نئوکلاسیک به طور قدرتمندی در دهه ۱۹۸۰ دوباره وارد میدان شد هر کدام حرف‌های جدیدی برای گفتن داشتند.

اما قبل از اینکه وارد نقد دیدمان‌های موجود توسعه شوم و دیدمان مورد نظر خود را از توسعه ارایه دهم اجازه می خواهم به برخی از ملاحظات فرا دیدمانی یا فرا پارادایمی بپردازم که خود مانعی در راه توسعه اقتصادی کشور هستند به بیان دیگر فارغ از اینکه ما چه دیدمان توسعه‌ای را انتخاب کنیم آیا در داخل کشور درک روشنی از مفاهیم و مضامین علمی داریم. آیا ما در چارچوب اکسیوم اصلی علم اقتصاد که فرض بر این است که انسان‌ها عقلایی عمل می کنند عمل می کنیم. در این جا صرفا به یک مورد بسنده کرده و عبور می کنم. نگاه ما به مفاهیم و موضوعات در طراحی سیاست‌ها و اقدامات ما نقش تعیین کننده‌ای دارد. ما همواره در فرهنگ ایرانی به برخی از مفاهیم یکسره با نگاه منفی نظر می کنیم. برای مثال ما همواره با عینک منفی نگری به واژه‌هایی چون «فرصت طلبی»، «مساله دار بودن»، سودجویی و «محافظه کاری» نگاه می کنیم. به محض طرح کلمه «فرصت طلب» با آن فاصله می گیریم. می گویم من فرصت طلب نیستم از آدم‌های فرصت طلب بی زارم و عبارات اینچنینی یا واژه «مساله دار بودن»، به محض شنیدن این کلمه از آن فاصله می گیریم و درباره کلمات سودجویی و محافظه کاری به همین ترتیب. در صورتی که این واژه‌ها علی الخصوص «فرصت طلبی» و «سودجویی» کانونی ترین مفاهیم علم اقتصاد هستند که ما به راحتی از آنها فاصله گرفته‌ایم. به عبارت دیگر اگر عینک منفی را برداشته و با عینک مثبت به این واژه نگاه کنیم به ارزش بنیادین این کلمات پی خواهیم برد به قول سهراب سپهری چشم‌ها را باید شست جور دیگر باید دید. در کنار قبول اینکه به معنای منفی فرصت طلبی صفت خوبی نیست اما با نگاه مثبت به این مفهوم درک می کنیم که هر فردی چه در مقام یک دولتمرد چه مدیر یک بنگاه و چه یک فرد حرفه‌ای اگر می خواهد انسان موفقی باشد باید به معنای مثبت فرصت طلب باشد. اساسا فرصت طلبی از ویژگی‌های یک دولتمرد توسعه گراست.

هزینه فرصت در اقتصاد

کسی که نتواند فرصت‌ها را بشناسد و آنها را مدیریت کرده و از آنها بهره گیرد، خلق فرصت کند، فرصت‌ها را شکار کند و از همه مهم‌تر بر مبنای «هزینه فرصت» تصمیم گیری کند از منظر اکسیوم اصلی علم اقتصاد مردود است و در عرصه عمل به جای اینکه سردار شکار فرصت‌ها باشد سلطان زیان خواهد بود. در مورد واژه سودجویی نیز چنین است. می گوییم سودجویی در اسلام مذموم است بنابراین حداقل به ظاهر سعی می کنیم از آن فاصله بگیریم. در صورتی که آدام اسمیت پدر علم اقتصاد می گوید: من می گویم هدف حداکثر کردن نفع شخصی است اما نفع شخصی در کنار اعتماد معنا پیدا می کند. وی می گوید: حق ندارید به بهانه حداکثر کردن نفع شخصی پنهان کاری در معامله و مبادله داشته باشید یا حق دیگری را ضایع کنید. شما با حفظ قاعده اخلاقی و قانونی بازی مجاز به حداکثر کردن نفع شخصی خود هستید. این یک نگاه مثبت به نفع شخصی است و ملاحظه دین اسلام هم به رعایت قاعده بازی است که کسی از راه مخدوش کردن اصل اخلاقی بازی درآمدی تحصیل نکند. البته اینکه نظام سرمایه‌داری چقدر در عمل آموزه اسمیتی را به کار گرفت و به چه راهی رفت قابل بحث است. تابع هدف یک بنگاه خصوصی حداکثر کردن سود بنگاه است و اگر به هدف نیندیشد و بر مبنای آن حرکت نکند منابع جامعه را تلف می کند. همچنین اگر به معنای مثبت به واژه «مساله دار» بودن نگاه کنیم می پذیریم که برای حل مسایل مبتلا به جامعه و کثیر چالش‌هایی که در جامعه ما وجود دارد نیاز به انسان‌های مساله دار داریم. انسان‌هایی که صاحب درد، دغدغه، درک و تفکر نسبت به حداقل یکی از موضوعات جامعه داشته باشند و به دنبال تعریف این چالش در قالب یک مساله و سپس به دنبال حل آن مساله باشند. به راستی نظام آموزش ما چقدر انسان‌های مساله‌دار تربیت می کند که قدرت ابتکار، نوآوری و کارآفرینی و توان تعریف یک مساله را داشته باشند. همچنین واژه محافظ کاری را معمولا در مقابل شجاعت قرار می دهیم و آن را یک ویژگی منفی انسان‌ها می دانیم در صورتی که همواره چنین نیست و برای مثال باز می توان یکی از ویژگی‌های یک دولتمرد توسعه گرا را محافظه کاری او نام برد. کسانی که علی الخصوص تصمیم‌های کلان می گیرند باید به هزینه‌های مترتب بر تصمیم خود کاملا آگاه باشند. هر چه این آگاهی بیشتر باشد فرد با تمایل و طمانینه تصمیم گیری می کند. اجازه می دهد فرآیند بررسی کارشناسی موضوع مورد تصمیم انجام گرفته و با تعهد به خروجی فرآیند مدیریت تصمیم، تصمیم نهایی را اجرا می کند. اگر دولتمردی در انتهای فرایند مدیریت تصمیم قرار گرفت و تصمیم مورد اجماع کارشناسی را اجرایی کرد می تواند متصف به صفت شجاعت باشد، در غیر این صورت اگر به مقتضیات مدیریت فرآیندی ملزم و مومن نبود و به صورت نقطه‌ای خود به یک تصمیم رسید و علی الراس آن را عملی کرد اسم این عمل را هر چه بتوان نامید شجاعت نمی توان نامید. اجازه بدهید برگردیم به بحث ضرورت انتخاب یک دیدمان مناسب توسعه ملی. می توانیم ادعا بکنیم با وجود همه تلاش‌ها و برنامه ریزی‌هایی که در کشور در دهه‌های اخیر صورت گرفته سیاست، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات ملی بر یک پلات فورم روشن توسعه استوار نبوده است و به همین خاطر برنامه‌های توسعه از سازوکاری درونی برخوردار نبوده‌اند.

ریسمان‌های ناتوان توسعه

امروز باید بپذیریم بهره گیری مختلط از دیدمان‌های موجود توسعه از کارایی لازم برخوردار نبوده و ما همچنان با این همه تلاش از مشکلاتی چون درآمد سرانه پایین، رشد ناپایدار اقتصادی، جایگاه ضعیف در اقتصاد جهانی، وابستگی شدید به درآمدهای نفتی، پایین بودن نرخ بهره‌وری، نرخ بیکاری و تورم بالا، فقر و نابرابری، عقب افتادگی‌های تکنولوژیک و فساد اداری، رانت خواری و نظام ناکارآمد اداری رنج می بریم و باید بپذیریم دیدمان‌های گذشته توسعه ناتوان از حل این چالش‌ها بوده‌اند و ضرورت تغییر دیدمان توسعه به جد احساس می شود. داشتن یک دیدمان محوری توسعه در روشن کردن ذهن سیاست گذاران جهت اعمال سیاست‌های سازگار و هماهنگ به ما کمک می کند. الزامات تبیین دیدمان توسعه روشن بودن تعریف اجماعی ما از مفهوم توسعه، هدف توسعه و ابزار توسعه است. منابع استخراج تعریف و هدف ما از توسعه شامل قانون اساسی، سند چشم‌انداز و تئوری‌های توسعه است. در مقدمه قانون اساسی ما آمده در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی توان داشت. با این دیدگاه برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است. از این عبارت می توانیم دریابیم که اولا هدف توسعه اقتصادی تقویت قابلیت‌های انسانی برای دستیابی به زندگی توام با رفاه و عزت و منزلت بوده به عبارتی نگاه قانون اساسی به توسعه اقتصادی یک نگاه انسانی است و ثانیا با وجودی که اقتصاد را وسیله قلمداد می کند اما بر اتحاد راهبردهای اقتصادی که متضمن حفظ کارایی اقتصادی باشد، تاکید دارد، یعنی رویکردهای سوسیالیستی که مخل کارایی اقتصادی باشد، مورد نظر قانون اساسی نیست. روح حاکم بر سند چشم‌انداز ۲۰ ساله توسعه هم این است که ما دیدمانی از توسعه را باید انتخاب کنیم که در افق سند چشم‌انداز بتواند توامان اهداف سه گانه رشد اقتصادی بالا، عدالت اجتماعی و عزت و منزلت انسانی را محقق کند. بنابراین ما به دنبال دیدمانی از توسعه هستیم که مبنی بر ارزش‌های دینی و اخلاقی، سازگار با فرهنگ خودی، مبنی بر الزامات قانون اساسی و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله توسعه کشور باشد. سوال این است که کدام دیدمان علمی توسعه امکان تحقق این مهم را می دهد؟ تمام مکاتب اقتصادی نظیر کلاسیک‌ها، کینزین‌ها، نئوکلاسیک‌ها، مکتب پولی یا نیازهای اساسی و دیگر رویکردهای دولت مدار و سوسیالیستی همگی درآمد محور هستند و می توان آنها را در دو دسته کلی رویکردهای رشدگرا و رویکردهای بازتوزیعی (حمایت محور) جای داد. مهم‌ترین دیدگاه دسته اول یعنی نئولیبرالیسم اجماع واشنگتنی بهروزی را دستیابی به حداکثر مطلوبیت تعریف می کند. منتقدان به نارسایی‌ها و محدودیت این رویکرد از جمله نادیده گرفتن حقوق، آزادی‌ها و عاملیت انسانی اشاره داشته‌اند. ممکن است این رویکرد از حقوق سیاسی و مدنی نظیر آزادی بیان یا توزیع برابرتری از قدرت دفاع کند اما در حالتی چنین کاری را انجام می دهد که مطمئن باشد این کار در تسریع رشد اقتصادی سهیم خواهد بود. بنابر این رویکرد در عمل یک رویکرد مشارکتی یا مردم محور نیست و به این گونه آزادی‌ها ابزاری نگاه می کند و به سرمایه گذاری در حوزه‌های توسعه انسانی نظیر بهداشت و آموزش نیز ابزاری و به عنوان سرمایه موثر بر بهره‌وری نگاه می کند. رویکرد ارتدوکسی نئولیبرال عملا نتوانست تجربه خوشایندی از خود به جا بگذارد و اجرای این سیاست کمکی به حل مشکلات اقتصادی کشورهای در حال توسعه ننمود.

از میان رویکردهای حمایت محور، دیر زمانی است که عمر رویکردهای سوسیالیستی و اقتصاد دولتی به سر آمده است. شاید مدرن‌ترین رویکرد موجود در این دسته‌بندی را که خواستگاه آن هم در کشورهای سرمایه داری بوده است را بتوان رویکرد نیازهای اساسی نامید.

نگاه خشن به توسعه

رویکرد نیازهای اساسی به مردم به عنوان محور توسعه نگاه می کند اما تاکید بر تعیین «نیازهای اساسی» بر حسب عرضه کالاها و خدمات حکایت از کالا بنیان بودن دارد تا قابلیت بنیان در تعریف بهروزی و رفاه انسان بنابراین در تعریف رفاه، فقر و بهروزی مشابه دیگر رویکردهای مطلوبیت گراست. در رویکرد اول راه رسیدن به اهداف غایی توسعه از جمله دستیابی به عدالت توزیعی از مسیر رشد اقتصادی میسر است.

از نظر این رویکرد عدالت موخر بر رشد است. رشد گرایی یک نگاه خشن به توسعه بوده و به ملاحظات توزیعی کم توجه و ناقض عدالت اجتماعی است. در مقابل رویکرد دوم یعنی حمایت گرا (بازتوزیعی) بر تقدم عدالت توزیعی بر رشد اقتصادی معتقد هستند و می گویند، نمی توان تحمل کرد بخش زیادی از جامعه زیر چرخ سیاست‌های لیبرالی رشد محور له شود. این رویکرد می خواهد با دخالت‌های دستوری و سیاست‌های تثبیت قیمت‌ها تعادل بخشی در اقتصاد ایجاد کند. به طور طبیعی در این رویکرد نقش دولت برجسته است و دولت فعال مایشاء خواهد بود و نیز روز به روز فربه‌تر و ناکارآمدتر خواهد شد. این رویکرد در عمل انسان‌ها را اسیر و سیر می خواهد یعنی به بهانه سیر کردن شکم آنها، آنها را به دولت وابسته‌تر می کند. در این رویکرد مرتب فقر باز تولید می شود و دولت و جامعه را در یک چرخه شوم قرار می دهد که نتیجه آن فقیرتر شدن کل ملت خواهد بود. هر دو رویکرد پایه تحلیلی آنها درآمد است یعنی اقتصاد محور هستند، نقش توده مردم در هر دو تا رویکرد منفعل است. در رویکرد اول صاحبان سرمایه و در رویکرد دوم دولت نقش فاعلی دارند. هر دو نگاهشان به فقر محرومیت از درآمد است و نگاهشان به نابرابری صرفا نابرابری درآمدی است. بنابراین ضروری است با توجه به آنچه که گفته شد به دنبال دیدمان بدیلی باشیم که بتواند خواسته‌های ما را شدنی کند. رویکرد بدیل پیشنهادی ما رویکرد توسعه انسان محور بوده و رویکرد انسان محور توسعه (قابلیت انسانی) که تکیه‌گاه اصلی آن رشد و ایجاد قابلیت‌های انسانی است رویکردی بوده که می تواند با پیوند بین رشد گرایی و توزیع مجدد، اهداف چندگانه توسعه را در یک فرآیندی دوستانه و انسانی مبنی بر برخورداری از زندگی دلخواه و آزاد محقق سازد. این رویکرد از همان آغاز ضمن تایید اهداف عالیه دیدگاه‌های رقیب مرزهای روشنی را از حیث راه رسیدن به آن اهداف ترسیم می کند. محرومیت در این رویکرد به معنی محرومیت از درآمد نیست. بلکه هر آنچه امکان عمل و انتخاب انسان را تهدید می کند به نوعی محرومیت محسوب می شود و صد البته فقدان درآمد نیز نوعی محرومیت است. مطابق با این دیدگاه، عدم دسترسی به فرصت‌های اجتماعی و امکانات اقتصادی و حتی هر آنچه که حیات انسان را از قبیل بالایای طبیعی و امثال آن تهدید می کند و نوعی محرومیت است. به این معنا هر جا که انسان محروم از انتخاب یا ناتوان از گریز از تهدیدهای اقتصادی، اجتماعی و طبیعی است، آزادی او تهدید شده و در واقع محرومیت‌ها معادل ناآزادی‌هاست. از سوی دیگر، رشد قابلیت‌های انسانی به معنی گسترش دامنه انتخاب انسان و فائق آمدن بر محرومیت‌ها و تهدیدهاست و به این معنا قابلیت‌های انسانی معادل آزادی‌های انسانی است. اما قابلیت‌های انسانی زمانی رشد و تحقق می یابد که انسان از قابلیت‌های پایه نظیر درآمد، سواد و آموزش، بهداشت و سلامتی و مانند آن برخوردار باشد و در عین حال بسترهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نظیر امکان دسترسی به امکانات و فرصت‌های اقتصادی، برخورداری از فرصت‌های برابر اقتصادی و اجتماعی، آزادی مبادله در بازار و نیز امکان مشارکت سیاسی و حق تعیین سرنوشت و ابراز وجود نیز فراهم باشد.

دیدمانی همراه با آموزه‌های دینی

چرا رویکرد قابلیت می تواند کاندیدا برای «دیدمان» توسعه بودن داشته باشد؟

چون رویکرد قابلیت به وضوح از تغییر نقطه تمرکز دفاع می کند و به طور مثبت حقیقت تنوع انسانی را مورد توجه قرار می دهد. رویکرد توسعه انسان محور از چنان ظرفیت بسیطی برخوردار بوده که قادر است به طور همزمان با یک مبانی مشخص به همه ابعاد توسعه و نیازهای رو به تزاید انسانی و جوامع بشری توجه کند. به همین خاطر می توانیم چنین نتیجه گیری کنیم که این رویکرد اولین رویکرد توسعه به معنای عام بوده و به همین خاطر کاندیدای مناسبی برای «دیدمان» توسعه ملی بودن است. عرایضم را جمع‌بندی می کنم. در صحنه توسعه ایران زمین نیز ما در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله توسعه کشور عملا خواهان رویکردی از توسعه هستیم که بتواند توامان رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و عزت و منزلت انسانی را برای ما به ارمغان بیاورد. به عبارتی بتواند پیوند سیستمی بین این اهداف برقرار کند. مبانی علمی و تجربه کشورها نشان می دهد رویکردهای رشدگرا ظرفیت پیوند این اهداف را ندارد و در خوشبینانه‌ترین شرایط با اتخاذ این رویکرد شاید بتوانیم به هدف رشد اقتصادی نایل شویم. همچنین اگر بخواهیم با رویکرد حمایت محور که توجه آن معطوف به تحقق عدالت اجتماعی آن هم از طریق سیاست‌های تثبیت قیمت‌ها، گسترش یارانه‌ها و کمک‌های حمایتی است قطعا به هیچ کدام از سه هدف ذکر شده نخواهیم رسید. بنابراین رویکردی که این ظرفیت را دارد که به صورت نهادی و سیستمی این اهداف را در خود جای دهد، رویکرد توسعه انسان محور در عرصه توسعه است که بر دو پایه رشد قابلیت‌های انسانی و برابری فرصت‌ها می تواند ما را به هدف چشم‌انداز برساند. این دیدمان خواستگاه شرقی دارد و با آموزه‌های دین اسلام همخوانی بالایی دارد. بنابر این توصیه می شود که به عنوان دیدمان توسعه ملی انتخاب شود و همه سیاست‌های ملی در تمامی حوزه‌ها روی پایانه این دیدمان تعریف و عملیاتی شود. توسعه دیروز هدف ما بود، امروز آرمان ماست، نگذاریم به محاق آرزو برود!

منبع: سایت باران

خبر

کارگروه طرح تحول مسوول قیمت گذاری شد

سخنگوی کارگروه تحول اقتصادی دولت اعلام کرد که با تصویب این کارگروه هر نوع قیمت گذاری کالا و خدمات تنها از طریق سازوکار هدفمند کردن یارانه‌ها انجام می شود.

به گزارش «جهان صنعت» به نقل از پایگاه اطلاع رسانی، محمدرضا فرزین در گفت وگوی اختصاصی با پایگاه اطلاع رسانی دولت در خصوص مصوبات جلسه روز گذشته کارگروه طرح تحول اقتصادی که به ریاست رییس جمهور برگزار شد، افزود: کارگروه طرح تحول اقتصادی تصویب کرد هر نوع قیمت گذاری کالا و خدمات تنها از طریق سازوکار هدفمند کردن یارانه‌ها انجام و اختیارات تمامی دستگاه‌های اجرایی در این رابطه لغو می شود.

وی همچنین با اشاره به مصوبه روز گذشته کارگروه طرح تحول اقتصادی در خصوص نظارت بر بازار اظهار داشت: با توجه به اهمیت موضوع نظارت بر بازار و بحث قیمت گذاری و در راستای تقویت نظارت در این حوزه، رییس جمهور دستور دادند تمامی تغییرات قیمت کالاها و خدمات باید فرآیند تصویب در کارگروه طرح تحول اقتصادی و سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها را طی کند و اختیارات دستگاه‌های اجرایی در این زمینه لغو می شود. فرزین همچنین از تشکیل ستاد دایمی تامین کالا و نظارت بر بازار براساس مصوبه روز گذشته کارگروه طرح تحول خبر داد و اظهار داشت: این ستاد با مسوولیت وزارت بازرگانی تشکیل می شود و عملا این وزارتخانه با همکاری سایر دستگاه‌ها سازوکارهای دقیق و کاملی برای اجرای مناسب قانون و جلوگیری از بی نظمی در بازار تدوین می کند. به گفته دبیر کارگروه طرح تحول اقتصادی، براساس مصوبه دیگر کارگروه از اول مهر ماه تمام پمپ‌های بنزین و گازوییل باید به دستگاه و سیستم پرداخت الکترونیکی بهای سوخت مجهز شوند تا امکان پرداخت از طریق کارت‌های اعتباری و بانکی فراهم شود.

رونمایی فقط رونمایی بود

سکه‌های جدید، رایج نیست!

مدیر کل سازمان تولید اسکناس و مسکوک گفت که سکه ۲۰۰ تومانی طی سال‌های آینده به جمع سکه‌های ما اضافه می شود و سکه ۵۰۰ تومانی نیز چند سال دیگر به سکه رایج تبدیل می شود.

مجید صنیعی، مدیر کل سازمان تولید اسکناس و مسکوک در گفت وگو با موج ضمن اعلام این مطلب که سکه‌های ۲۰۰ تومانی و ۵۰۰ تومانی سکه «یادبود» هستند نه «رایج» به گمانه زنی‌های افزایش رسمی نرخ تورم با ضرب سکه‌های جدید خاتمه داد.

وی افزود: سکه‌های ۲۰۰ و ۵۰۰ تومانی تنها به مناسبت پنجاهمین سالگرد تاسیس بانک مرکزی ضرب شده است و سکه یادبود سکه‌ای نیست که به صورت رایج وارد بازار شود و طی همان سالی که به عنوان یادبود نام گذاری شده به صورت خیلی محدود وارد بازار خواهد شد.

افزایش یک‌هزار و ۲۲۳ دلاری قیمت هر اونس طلا

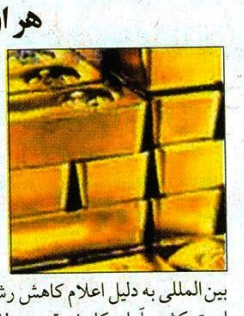

رییس اتحادیه کشوری طلا و سکه از افزایش یک‌هزار و ۲۲۳ دلاری قیمت هر اونس طلا در بازارهای بین المللی، کاهش بی سابقه معاملات در پنج روز گذشته از ماه رمضان و ادامه نوسان قیمت طلا تا پایان ماه سپتامبر (شهریورماه و مهرماه سال جاری) خبر داد.

محمد کشتی آرای در گفت وگو با ایلنا گفت: افزایش قیمت طلا در بازارهای بین المللی به دلیل اعلام کاهش رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته بوده است. کشتی آرای کاهش قیمت طلا طی سه هفته گذشته را ناشی از افزایش ارزش دلار و سایر ارزهای معتبر بین المللی و همچنین کاهش سطح معاملات عنوان کرد. کشتی آرای قیمت هر قطعه سکه تمام بهار آزادی طرح قدیم را روز گذشته در بازار تهران، ۳۱۷ هزار تومان اعلام کرد.

بانک‌ها حق ثبت شماره حساب خانوار را ندارند

استاندار تهران از ثبت نام ۱۶ درصد از خانوارهای تهرانی در سامانه رفاه به منظور دریافت یارانه نقدی همزمان با اولین روز ثبت نام که روز گذشته آغاز شده است، خبر داد و در عین حال تاکید کرد که هیچ یک از بانک‌ها حق ندارند نسبت به اعلام شماره حساب مشتریان خود به این سامانه اقدام کنند.

مرتضی تمدن، استاندار تهران در گفت وگو با ایسنا گفت: در روز گذشته گزارشاتی دریافت کردیم مبنی بر اینکه برخی از افراد سودجو با مراجعه به برخی از محلات بالاخص روستاهای تهران در ازای دریافت مبالغ پنج و ۱۰ هزار تومانی به مردم گفته‌اند که می توانند شماره حساب برای آنان افتتاح و آن را به این سامانه یاد شده اعلام کنند، این در حالی است که به مردم می گوییم اعلام شماره حساب متضمن پرداخت هیچ هزینه‌ای نیست این در حالی است که موضوع به فرمانداران، دهیاران و بخشداران به صورت رسمی اعلام شده است تا در صورت نبود امکانات لازم برای ارسال شماره حساب، سریعا نسبت به در اختیار قرار دادن امکانات اقدام کنند.

وی تصریح کرد: با دریافت این گزارش موضوع به مراکز انتظامی و امنیتی اعلام شد تا آنها با این سودجویان برخورد کنند. استاندار تهران در ادامه از مردم تهران خواست به هیچ فردی غیر از شبکه رسمی و مجاز اعلام شده (سامانه http://www.refahi.ir) برای ثبت‌نام و اعلام شماره حساب مراجعه نکنند و به فردی نیز اجازه ندهند تا دریافت مبلغی نسبت به این کار اقدام کنند. وی اعلام کرد: چهار هزار شعبه بانک دولتی و خصوصی در استان تهران آماده افتتاح شماره حساب جدید هستند.

مدیرعامل بانک تجارت:

تخلفی در سود تسهیلات نداریم

مدیرعامل بانک تجارت با بیان اینکه اگر سود تسهیلات بالاست مردم می توانند تقاضای وام نکنند، تسهیلات ۲۰ درصدی را برای برخی مشتریان بانکی به صرفه دانست و گفت که فردی که با گرفتن تسهیلات زیان کرده خودش باید این زیان را جبران کند.

مجیدرضا داوری در گفت وگو با فارس به اهمیت نقش «منابع» در کاهش سهم تسهیلات مبادله‌ای در مقایسه با تسهیلات مشارکتی در شبکه بانکی اشاره کرد و اظهار داشت: نرخ تامین منابع بانک‌ها و نرخ مورد انتظار سپرده گذاران در این زمینه اهمیت بالایی دارد.

وی اضافه کرد: بنابراین ضروری است که منابع بانک‌ها به سمتی سوق یابد که بتواند تامین کننده منافع سپرده گذاران شود. مدیرعامل بانک تجارت ضمن تاکید بر اینکه قیمت تمام شده پول در بانک‌ها بالاتر از نرخ تعیین شده برای عقود مبادله‌ای است، تصریح کرد: البته تلاش‌های چند سال گذشته بانک‌ها نشان می دهد که قیمت تمام شده پول در بانک‌ها کاهش پیدا کرده است. این اظهارات داوری در حالی صورت می گیرد که تقریبا تمامی مدیران و فعالان شبکه بانکی بالا بودن قیمت تمام شده پول را در بانک‌ها دلیل اصلی گرایش به سمت عقود مشارکتی عنوان می کنند و معتقدند که تا زمانی که قیمت تمام شده پول کاهش نیابد بانک‌ها تمایلی به ارایه تسهیلات مبادله‌ای نخواهند داشت.